

عروس کوچه ها

عروس کوچه ها بودی تومیدانم

میدانم

روزی

کوچه ای خوشبخت

درب اش را

به شوق ماندنت می بست

و تو آنجا!

محبوبم!

تو از شفا ف موج نور

برای ساحل شوریده ام

از چشمه می گفتی

که

دشتی از شقایق رسته بر جانم

لبم از

بوسه می نوشید!

من و تو

ما!

بهار عمر ما ن

آن دیده ایم

در زیر چتر گل

به نمناک

نت موسیقی آغشته با باران

رودی از نگاه مان

به سوی سبزه می لغزید

به گل گشت چمن گفتی

شکلی از شیار گل

به هنگام نسیم

از بستر گلزار دشت ما ن

به سوی بی کران!

آن

سوی دریا ها ست

می غلطید.

من و تو

ما

زالال عشق مان

وقتی

جوان بودیم

اکنون

پیرا!

احمد لنگرودی - دالاس